

## بررسی مسئله حکمت پوشش

حمید کریمی

(دانش‌آموخته حوزه علمیه و دکتری کلام اسلامی)

ماهنامه معرفت

سال شانزدهم / شماره پیاپی ۱۱۸ /

### چکیده

یکی از احکام متفاوت بین زن و مرد، مسئله پوشش بدن در حالات گوناگون است. در حال نماز و طواف و در برابر نامحرم، مرد لازم است تا عورتین خود را بپوشاند، اما زن باید تمام سر و بدن منهای صورت و دست‌ها تا مچ را بپوشاند. حجاب در پوشش بدن، نگاه کردن، سخن گفتن، راه رفتن و همه رفتارهای انسان باید جاری باشد. دلیل آن آیه ۱۵۹ سوره احزاب و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، روایات، اجماع و سیره متشرعه است.

حکمت‌های حجاب عبارتند از: پاکیزگی معنوی، شناسایی انسان به ایمان و سلامت از طمع دیگران، جلوگیری از فحشا، کم کردن هزینه اقتصادی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع، و حفظ ارزش زن.

اما حکمت تفاوت حد پوشش مربوط می‌شود به میل جنسی شدیدتر مرد و تحریک پذیری سریع حتی با نگاه و شنیدن صدا، و از سوی دیگر، آرامش جنسی، لطافت، زیبایی و میل به خودنمایی زن. علاوه بر آن، صحنه کار و فعالیت خارج از منزل در درجه اول به مردان سپرده شده است.

این نوشتار ضمن تبیین مباحث مزبور، به ذکر و بررسی ۹ مورد از شبهات بحث حجاب می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: حجاب، پوشش، حکمت حجاب، حجاب و عفاف، نگاه کردن.

### مقدمه

پوشش زن و مرد از آغاز تاریخ و با تولد حضرت آدم علیه‌السلام حوا همراه بوده است. در قرآن آیاتی اشاره به این حقیقت دارند. ۱

از سکه‌ها، تندیس‌ها، نقاشی‌ها و آثار به جا مانده دیگر از دوره‌های قبل، معلوم می‌شود که همه اقوام و ملل گذشته پوشش نسبتاً کاملی داشته‌اند. ۲

از کتاب مقدّس فهمیده می‌شود که در عهد سلیمان نبی علیه‌السلام زنان علاوه بر پوشش بدن، صورت را نیز با روبند می‌پوشانیدند. ۳ در زمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام هم این سنّت رایج بوده است. ۴

در ایران باستان، در دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، همواره زنان لباسی به صورت شنل، قبا یا چادری داشته‌اند که قامت آنها را می‌پوشانیده است. ۵

از منابع دیگر کهن مثل شاهنامه فردوسی نیز به دست می‌آید که در عهد ساسانی‌ها، پوشش سر و رو علاوه بر بدن شایع بوده است.

از مجموع آثار برمی‌آید که علاوه بر محافظت در برابر سرما و گرما، عامل حیا هم در مسئله پوشش مؤثر بوده است، وگرنه می‌باید در هنگام اعتدال هوا و در میان بسیاری از اقوام، پوشش یا حذف می‌شد و یا به حداقل می‌رسید.

نکته دیگر اینکه حد لباس زن همیشه بیشتر از مرد بوده است و این خود دلیلی است بر اینکه لباس تنها سپر سرما و گرما نبوده و نیست، وگرنه در مرد و زن به یک میزان بود، بلکه در زنان کمتر؛ چراکه چربی زیر پوست آنها بیشتر و تأثیرپذیری از سرما و گرما کمتر است.

یکی از احکام متفاوت بین زن و مرد در اسلام، مسئله ستر بدن در حالات گوناگون است. و با توجه به اختلاف در پوشش، در حکم نگاه کردن هم‌بایکدیگر متفاوت هستند.

بحث پوشش برای زن و مرد در دو حالت طرح می‌شود:

الف. در حال عبادت؛ مثل نماز و طواف صرف نظر از وجود یا عدم ناظر.

ب. در برابر دیگران.

در مورد پوشش در حال نماز، فقها گفته‌اند آنچه بر مرد لازم است که آن را بیوشاند حتی در خلوت، همان است که در مقابل ناظر محرم باید بیوشاند؛ یعنی عورتین.

اما پوشش زن در حال نماز بسی بیشتر است و باید تمام بدن و سر و موها را بیوشاند، تنها گردی صورت که در هنگام وضو باید شسته شود و دست‌ها تا مچ و پاها تا ابتدای ساق استثنا می‌شوند. ۶

صاحب جواهر می‌گوید: مستفاد از اصل و نص روایات و فتاوا فقط لزوم پوشاندن عورت مرد در نماز است. ۷ و زن در حال نماز باید کل بدن را غیر از صورت و دست‌ها و روی پاها - که در مورد روی پاها اختلاف وجود دارد - بیوشاند. ۸

اما نسبت به پوشش در برابر نامحرم، نظر مشهور فقها این است: همان گونه که بر مرد جایز نیست به غیر صورت و دست‌های زن تا مچ، نگاه کند، بر زن لازم است در مقابل چشمان نامحرم، این اعضا را بپوشاند. هرچند زنان نباید به غیر از صورت و دست‌های مرد نامحرم نگاه کنند، اما بر مردان ستر بدن غیر از عورت لازم نیست. ۹

پیش از تبیین حکمت حکم حجاب، ابتدا به معنا و دلیل آن اشاره می‌شود:

## ۱. معنای حجاب

«حجاب» در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. ۱۰ این کلمه از آن حیث مفهوم پوشش دارد که پرده، وسیله پوشش است؛ ولی هر پوششی حجاب نیست، بلکه آن است که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

وقتی در اصطلاح متشرعه گفته می‌شود مرد و بخصوص زن باید حجاب را رعایت کنند، مراد این است که حدی از بدن را که دین دستور داده است بپوشانند، به گونه‌ای که مانع از دید ناظر باشد و زیبایی‌های جنسی خود را ارائه نکنند.

این حجاب، هم باید در پوشاندن بدن مراعات شود، ۱۱ هم در حفظ و کنترل چشم، ۱۲ هم در گفتار و لحن صدا، ۱۳ هم در راه رفتن و سایر رفتارها ۱۴ و هم در آرایش نکردن در میان مردم. ۱۵

## ۲. دلایل لزوم حجاب

ادله متعددی بر لزوم حجاب دلالت می‌کنند:

### ۱. ادله قرآنی:

آیات متعددی در قرآن راجع به مسئله حجاب و نگاه و کیفیت رابطه زن و مرد وارد شده است که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف. در آیه ۵۹ سوره احزاب آمده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاء الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سرزده توبه کنند. خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

ب. آیه ۳۰ و ۳۱ از سوره نور خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛

به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

با مراجعه به کتب لغت و تفاسیر و تواریخ و روایات، در مجموع استفاده می‌شود که «خُمُر» جمع «خِمَار» و به معنای مقنعه و روسری بلندی است که روی گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند.

«جالیب» هم جمع «جلباب» به معنای ملحفه، چادر یا شنل بلندی است که روی سایر لباس‌ها پوشیده می‌شود و سراسر بدن را دربر می‌گیرد. ۱۶

با توجه به اینکه سایر اعضای بدن معمولاً پوشیده است، با پوشاندن موی سر و گردن و بالای سینه بر اساس مفاد آیات، تقریباً حدّ حجاب شرعی را قرآن به صراحت بیان کرده است. تفصیل مطالب و تحقیق در مفردات آیات و اقوال مفسران و فقها از موضوع بحث ما خارج است.

## ۲. ادله روایی:

در روایات متعددی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام آمده که آنچه بر زنان پوشاندن آن لازم نیست و برای مردان نگاه به آن مواضع، بدون شهوت حلال است، صورت و دست‌هاست. در بعضی احادیث به جای مواضع، زینت‌های موجود در اعضا به عنوان اشاره به اعضا ذکر شده؛ از جمله در روایتی معتبر زراره از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که مراد از «الا ما ظهر منها» در آیه شریفه عبارت است از سرمه و انگشتر. ۱۷ که منظور مواضع سرمه، یعنی چشم و صورت، و مواضع انگشتر یعنی دست است.

در حدیثی دیگر ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم راجع به قول خداوند «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» که مراد چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «انگشتر و مشک.» ۱۸ که اشاره به موضع آنهاست.

### ۳. اجماع:

اجماع و ضرورت بین همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، بر لزوم پوشش عورت مرد و کل بدن زن غیر از موارد استثناست. جمیع فقها به این مطلب با اندک تفاوتی فتوا داده‌اند. البته این اجماع مستند به آیات و روایات است؛ برای مثال، مرحوم سید محسن حکیم می‌نویسد:

واجب است زن تمام بدن خود را بیوشاند به دلیل اجماع بلکه بالاتر، ضرورت دین. ۱۹

### ۴. سیره متشرعه:

مردان و زنان مسلمانان از زمان حضور معصومان علیهم‌السلام تاکنون، نسل به نسل معتقد و ملتزم به مراعات حجاب با کیفیت مذکور بوده‌اند و در هیچ برهه‌ای از تاریخ اسلام این سیره منقطع نشده است و در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز مورد تأیید و تأکید بوده است.

### ۵. عقل و عرف عقلا:

عرف انسان‌ها نیز از گذشته بر پوشش بوده است. البته عقل و عرف حد دقیق حجاب را مشخص نمی‌کند ولی اصل پوشش را تأیید می‌کند. می‌توان گفت: عقل میزانی از پوشش را که موجب تحریک شهوت جنس مخالف و مانع فعالیت‌های سالم روزمره و سلامت نسل بشر و امنیت افراد و فضایل انسانی نباشد، لازم می‌شمارد. بنابراین، حتی فارغ از دین و آیین، در جمیع جوامع انسانی در حد خوب و بالایی افراد موظف به پوشاندن خود هستند.

## ۳. حکمت حکم حجاب

برای حد پوشش و نگاه، به صورتی که در متون دینی برای مرد و بخصوص برای زن تعریف شده است، حکمت‌ها، اغراض و به تعبیری، فواید متعددی را می‌توان با استفاده از قرآن، سنت و عقل ذکر کرد:

### ۱. پاکیزگی معنوی و تقویت عفاف و حیا:

با استفاده از آیات قرآن، اولین حکمت یا فایده‌ای که برای حکم حجاب و به همراه آن حفظ نگاه، می‌توان شمرد، طهارت روح است. خداوند در سوره مبارکه «نور» پس از دستور به حفظ نگاه و پوشاندن عورت می‌فرماید:

«ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ» (نور: ۳۰)؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است.

و در مورد پیرزنان و توصیه به مراعات پوشش و ترك زینت حتی برای آنان می‌فرماید:

«وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۶۰)؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنو و داناست.

«عفاف» که از ریشه عفت و به معنای منع و حفظ از غیر حلال و غیر زیباست، ۲۰ در حقیقت، ریشه درونی برای حجاب بیرونی است و پوشش ظاهر، به تقویت روحیه عفاف و خویشترداری کمک می‌کند. در جای دیگر می‌فرماید:

و هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است. «ذَلِكَ لَكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳)؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«صيانة المرأة أنعم لحالها و أدوم لجمالها»؛ ۲۱ حجاب و محفوظ بودن زن برای حال و وضعیت او بهتر و مفیدتر و موجب پایدارتر بودن زیبایی است.

## ۲. شناخته شدن انسان به ایمان و عفاف و سالم ماندن از طمع دیگران:

از آیه ۵۹ سوره احزاب استفاده می‌شود که چادر به سر کردن و پوشیده بودن زن موجب می‌شود تا بینندگان بفهمند که این زن، مسلمان و مؤمن و پاک است و ملعبه دستپوش‌رانان نمی‌باشد:

«ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند.) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

در نهج‌البلاغه آمده:

«فإنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ ابْقَى عَلَيْهِنَّ»؛ ۲۲ حجاب و پوشش بیشتر زنان موجب بقا و پایداری بیشتر آنها خواهد بود.

## ۳. جلوگیری از فحشا و ایجاد آرامش روحی زنان و مردان:

در کلامی از امام رضا علیه‌السلام آمده است:

نگاه به موهای زنان باحجاب، زنان ازدواج کرده و غیر آنها، از آن‌رو حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد دعوت می‌کند، و انجام آنچه که نه حلال است و نه شایسته. ۲۳

پوشش لازم و مناسب بانوان به همراه کنترل نگاه از سوی مردان، موجب سلامتی محیط خانواده و کاهش تحریکات جنسی و به دنبال آن کاهش فحشا، تجاوز، جرم و جنایت می‌شود.

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای جنسی را به صورت يك عطش روحی و يك خواست اشباع ناشدنی درمی‌آورد. غریزه جنسی مانند برخی صفات دیگر روحی غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است؛ هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. وجود صاحبان حرمسراها مانند خسرو پرویز و هارون الرشید در کنار قارون‌ها و فرعون‌ها در طول تاریخ و بالا رفتن میزان فحشا و تجاوزات جنسی در جوامع متمدن و آزاد امروزی، شاهدی بر این گفتار است.

اسلام به قدرت شگرف این غریزه سرکش توجه کامل کرده است. روایات بسیاری درباره خطرناك بودن «نگاه به نامحرم» و «خلوت با نامحرم» و «غریزه جنسی» وارد شده است. ۲۴

به همین دلیل، اسلام تدابیر متعددی برای تعدیل این غریزه اندیشیده است؛ مانند احکام نگاه، پوشش، محرم و نامحرم و روابط زن و مرد.

شهوت جنسی همانند شهوت مال و مقام سیری ناپذیر است. خیال خام و دروغ بزرگی است اگر کسی فکر کند که مردی از نگاه و تصاحب زیبارویان سیر می‌شود یا با روابط آزاد و فراوانی اسباب تحریک شهوت، کم‌کم مرد و زن از هم سیر خواهند شد؛ وقتی میل و تقاضا نامحدود شد، قهرا دست نیافتنی می‌شود و این محرومیت، اختلالات روانی و عصیان را در پی دارد.

از سوی دیگر، قانون حجاب برای زنان نیز آرامش خاطر فراهم می‌آورد؛ چراکه نه دغدغه پوشیدن لباس رنگارنگ و متنوع و تهیه مداوم آن را دارند و نه نگران اندام غیر موزون و نارسایی‌های دیگر هستند. چادر و لباس‌های بلند و آزاد کمک بسیار خوبی برای برقراری شرایط نسبتاً مشابهی برای خانم‌هاست؛ هم مانع غرور زیبارویان می‌شود و هم حافظ شرم و خودکم‌بینی دیگران.

در طرف مقابل، عدم مراعات حجاب قهرا زمینه‌های بی‌قراری و فساد را فراهم می‌کند. بی‌حجابی، مردان را در جوامع گوناگون، بخصوص جامعه اسلامی و مقید به قوانین ازدواج شرعی و قانونی، دچار آثار سوء روانی مانند عقده‌دار شدن می‌کند؛ چراکه وقتی انسان چیز مورد علاقه خود را نبیند، یا به آن کشش پیدا نمی‌کند و یا علاقه‌اش اندک است و در نتیجه از تعادل روانی برخوردار می‌باشد؛ و اگر ببیند و به آن دست پیدا کند باز هم تعادل روحی دارد؛ اما اگر ببیند و میل او تحریک شود و به آن دست نیابد، دچار ناآرامی و عقده‌روانی می‌شود. این عقده‌های روانی به صورت ناهنجاری‌های گوناگون، مانند تجاوز، بروز پیدا می‌کند.

#### ۴. کم کردن هزینه اقتصادی:

یکی از فواید حجاب بانوان در هنگام حضور در برابر نامحرم و از جمله پیامدهای فرعی وضع حکم پوشش، کاهش هزینه مالی پوشاک زنان است. استفاده از چادر یا پوشش‌های ساده و یک‌دست در اشکال و الگوهای محدود، به طور طبیعی از دامنه تنوع‌طلبی و استفاده از رنگ‌ها و الگوهای نو به نو می‌کاهد. زنان که به طور غریزی دنبال تنوع بیشتر، خودآرایی و خودنمایی هستند، این‌گونه در میان جمع و جامعه محدود و به تعبیری آزاد از قید شده و نیاز کمتری به خرید لباس‌های رنگارنگ و لوازم‌زینتی و آرایشی دارند.

#### ۵. استحکام پیوند خانوادگی: ۲۵

بدون تردید، هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و صمیمیت رابطه زوجین شود برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد یا حفظ آن باید کوشید و بعکس، باید با هر چه موجب سستی این کانون می‌شود مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاع و التذاهای جنسی به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج، پیوند زناشویی را محکم می‌کند. معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک تکلیف و محدودیت درمی‌آورد که با نصیحت یا زور باید بر جوانان تحمیل کرد. در نظام روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنها را وادار می‌کند که به یکدیگر وفادار باشند و در نظام اسلامی به محرومیت و انتظار پایان می‌بخشد. از این‌رو، در قدیم ازدواج شور و هیجان بیشتری داشت و به دنبال یک دوران انتظار و آرزو بود و ب پادشاهی و سلطنت مقایسه می‌شد.

خلاصه اینکه فراهم بودن شرایط برای بهره‌گیری و لذت از طریق نگاه، سخن گفتن، خندیدن، لمس کردن و مانند اینها نسبت به جنس مخالف، انسان را نسبت به همسر قانونی خود دلسرد می‌کند و عطشی در روح ایجاد می‌کند که با یک جرعه و دو جرعه سیراب نخواهد شد. مردانی که همه روزه زنان بسیاری را با آرایش‌های گوناگون و لباس‌های رنگارنگ و جلوه‌های مختلف، که قطعاً برخی از آنها زیباتر و جوان‌تر از همسر او هستند، مشاهده می‌کند به طور طبیعی تمایل کمتری به زن خود نشان می‌دهد. بنابراین، یکی از ثمرات حجاب، تحکیم بنیان زناشویی و خانواده و جلوگیری از طلاق و تنش‌های بین زوجین است.

#### ۶. استواری اجتماع و حفظ نیروی فعال: ۲۶

کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت در جامعه را ضعیف می‌کند. بر خلاف آنچه مخالفان حجاب زن می‌گویند که «حجاب موجب استفاده نکردن از نیروی نیمی از افراد اجتماع است»، بی‌حجابی و روابط آزاد جنسی، در طولانی مدت موجب فرسایش و کاهش نیروی کل اجتماع می‌شود. حجاب اسلامی نیروی مرد و زن را هدایت و بیمه می‌کند و هر یک را در امور مربوط به خود به کار می‌گیرد بدون اینکه این همه هزینه و نیرو و وقت از دو طرف ضایع شود.



اسلام، نه تنها با اصل بیرون رفتن زن از خانه و تحصیل و فعالیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زن مخالف نیست، بلکه بر مواردی همچون علم‌آموزی نیز سفارش می‌کند؛ اما همه این امور باید در چارچوب دستورات و معیارهای اسلامی باشد.

اینجاست که در صورت تعارض بین برخی فعالیت‌ها در بیرون منزل با اغراض و تکالیف دینی مثل همسررداری، تربیت کودکان و آلوده نکردن محیط و ترك گناه در هر شکلی، باید بر رعایت احکام و اهداف الهی پای فشرد. متأسفانه در بسیاری از اوقات و موارد حضور افراطی و حساب نشده زنان در دانشگاه، اداره و کارخانه و جامعه، این تبعات سوء را به دنبال داشته و دارد. ۲۷.

آنچه مانع تحرك جامعه و فعالیت‌های سازنده در ابعاد گوناگون اجتماعی می‌شود، ستر زنان نیست، بلکه مانع حقیقی، پوشش نامناسب و اندام نیمه عریان و آرایش‌های آنچنانی و جلب جنس مخالف و گفت‌وگو و خندیدن و اختلاط محیط کار و درس و بازار است.

## ۷. ارزش و احترام زن: ۲۸

حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسایل مرموزی بوده است که زن از ابتدا برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد و احتمالاً برای جبران ضعف در بُعد جسمی و سایر زمینه‌ها، از آن استفاده کرده است. اسلام بخصوص تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش و تماس و شناسایی برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده‌تر می‌شود.

## ۴. حکمت تفاوت حد پوشش

در مسئله پوشش باید دو مطلب را از یکدیگر تفکیک کرد: ۱. اصل پوشش؛ ۲. تفاوت حد پوشش در زن و مرد. همان‌گونه که اشاره شد، محافظت در برابر سرما و گرما، شرم از برهنگی عورت، که يك صفت انسانی و فطری است، و میل به زیبایی را می‌توان از عوامل اصل پوشش دانست. حکمت‌های حد پوشش شرعی نیز در بحث قبل گذشت. اما درباره حد پوشش آنچه مورد بحث ماست، توجیه حد مشخص شده در شریعت اسلام است. در مورد پوشش بیشتر زنان در ادیان توحیدی گذشته، به همین حکمت‌ها و فواید می‌توان اشاره کرد و در مورد ملل گذشته و مناطق و آیین‌های غیرآسمانی نیز شاید تأثیر تعالیم شرایع گذشته، وجود حیای بیشتر در زنان، غیرت و انحصارطلبی مردان، و مواردی از این دست موجب ستر بیشتر بانوان بوده است.

در هر صورت، شرایع آسمانی به دلیل تفاوت‌های متعدد جسمی و روحی زن و مرد که در علوم گوناگون مانند فیزیولوژی، تشریح و روان‌شناسی بخشی از آنها به اثبات رسیده است، حکم و وظیفه متفاوتی برای پوشش و نگاه دو گروه مقرر شده است. وقتی شرایط زن و مرد تفاوت اساسی با یکدیگر دارد، عدالت و حکمت در مقام قانون‌گذاری اقتضا می‌کند که تکلیف متفاوت و انتظارات جداگانه‌ای از زن و مرد داشته باشیم. یکسان نگاه کردن به مرد و زن در این مسئله عین ظلم و تبعیض است. مکاتب مادی و الحادی و فمینیست‌ها که در مقام ادعا، طرفدار برابری زن و مرد در همه عرصه‌ها هستند - و البته در عمل، خواهان پوشش هر چه کمتر زنان - هم به زنان ظلم می‌کنند و هم به مردان.

احکام دینی، از جمله حکم حجاب، تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند. در اینجا برای تکمیل بحث، به اختصار به برخی از آنچه که شرایط متفاوت برای مرد و زن ایجاد می‌کند اشاره می‌کنیم:

- میل جنسی مرد، شدیدتر از زن است؛ یعنی مرد، جنبه شهوانی زیادتری دارد. ۲۹

— واکنش‌های شهوی در نتیجه مشاهده جنس مخالف، تخیل درباره آن و مطالعه متن‌های جنسی، در مردان به مراتب بیشتر از زنان است. ۳۰

— حس بینایی مردان از زنان معمولاً بیشتر است و حس شنوایی زنان قوی‌تر است، آستانه حس درد و لمس در زنان پایین‌تر است. ۳۱

— مردها بدنی عضلانی‌تر و دارای استخوان‌های بزرگ‌تر و محکم‌تر هستند، پوست بدن مرد ضخیم‌تر و خشن‌تر است. اما زنان دارای عضلات کمتر و هیكل کوچک‌تر و پوستی نرم و لطیف هستند.

- زن دوست دارد شنونده داشته باشد ۳۲ و کسی او را نوازش کند. ۳۳

— دختران برای جلب دیگران، با آرایش ظاهر و پوشیدن لباس زیبا به لذتی وصف‌ناپذیر دست می‌یابند و خودنمایی در جنس زن بیشتر به چشم می‌خورد. ۳۴

بنابراین، چون زن لطیف‌تر و دوست‌داشتنی‌تر و خودآراتر از مرد است و مرد میل زیادی به سوی او دارد و ب کوچک‌ترین نگاه و نشانی از جنس مخالف، تحریک می‌شود و آسیب‌پذیر می‌گردد، برای کنترل و استفاده صحیح و سازنده از نیروی شهوت جنسی، باید قانون پوشش و نگاه وجود داشته باشد تا راه تحریکات اضافی سد گردد و روابط شهوی محدود به زن و شوهر و ازدواج شرعی شود. در سایر موارد، با ستر و کنترل نگاه، هر دو گروه موظفند شرایط جامعه را برای حرکت سالم و رابطه انسانی و نه جنسی (انسان با انسان نه زن با مرد) فراهم کنند. در غیر این صورت، غریزه آرام و گاه خفته چنان بیدار و سرکش می‌شود که زن و مرد و تر و خشک را با هم می‌سوزاند و از انسانیت ساقط می‌کند.

علاوه بر آن، اسلام عرصه کار، فعالیت اجتماعی، اقتصادی و نظامی را در وهله اول به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی مرد به او سپرده است؛ چراکه این وظایف آزادی عمل بیشتری می‌طلبد.

مردها به خاطر ویژگی‌های ذکر شده از لحاظ پوشش تکلیف کمتر و از نظر نگاه محدودیت بیشتری دارند؛ بعکس، زنان وظیفه بیشتری در پوشاندن خود دارند و در بحث نگاه، از آزادی بیشتری برخوردارند.

احکام جواز آرایش زن، بلکه تشویق به آن برای همسر، جواز استفاده از طلا، حریر و ابریشم خالص از مواردی است که مکمل توجیهات گذشته و مبین تفاوت زن و مرد است؛ آنها را می‌توان جزو امتیازات و حقوق بیشتر زنان در برابر تکلیف بیشتر و دشوارتر حجاب دانست.

## ۵. شبهات بحث حجاب

بر حکم حجاب اشکالاتی وارد شده است. برخی اشکالات از سوی افراد مسلمان طرح شده و بعضی هم از سوی مخالفان دین. در اینجا به ۹ شبهه از شبهات مهم‌تر، که اعتبار شرعی و عقلی حجاب را هدف گرفته‌اند، اشاره می‌نماییم و به نقد و بررسی اجمالی هر یک از آنها می‌پردازیم:

۱. حجاب دلیل معقول و منطقی ندارد، بلکه ناشی از نظام پدرسالار یا ترویج رهبانیت و ترک دنیا، یا حسادت مردان یا عادت زنانه و از این قبیل امور است.

نقد: اولاً، اصل پوشش، عمری به اندازه عمر بشریت دارد که هم نیازی طبیعی است و هم احساسی انسانی و اخلاقی و برآمده از حیا.

ثانیا، در میان ملل مختلف، با مرام‌های گوناگون، پوشش فراگیر است و این نشانگر آن است که ریشه در اندیشه خاصی ندارد. اگرچه عوامل ذکر شده هر یک سهمی هرچند اندک می‌توانند در رواج پوشش زن داشته باشند.

ثالثاً، ادله متعددی که برای حجاب ذکر شد، پشتوانه منطقی این امر است و با وجود آن اسباب، نیازی به توجیهات روانی و اقتصادی و سیاسی و مانند آنها نمی‌باشد.

۲. حجاب مانع آزادی زن است. حجاب شرعی تا حد زیادی مانع انتخاب و رهایی زن در میزان پوشش، نوع پوشش، الگو، رنگ و حتی جنس لباس می‌شود. علاوه بر این، لباس بلند و چادر یا مواظبت بر حد حجاب و صورت و دست، جلوی برخی فعالیت‌ها را می‌گیرد.

نقد: در پاسخ به این اشکال که مهم‌ترین و شایع‌ترین ایرادی است که در مسئله حجاب زن طرح می‌شود، به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

اولاً، حجاب به معنای اسارت و حبس زن در خانه و منع از خروج وی نیست و اگرچه بر خروج کمتر از منزل سفارش شده، اما هیچ‌گاه فقه و دین اسلام اصل حضور زن در جامعه را ممنوع نکرده است. زن می‌تواند در بیرون از خانه با رعایت حجاب و شأن زن مسلمان به کار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازد. بنابراین، از این جهت، آزادی زن محفوظ است. آنچه زمینه رشد و کمال است، مثل تحصیل علم، برای مرد و زن فراهم است.

ثانیاً، برای اینکه معلوم شود حجاب مانع آزادی است یا بعکس، وسیله‌رهایی، باید معنا و حقیقت آزادی بازشناسی شود.

آزادی را از يك حيث می‌توان به دو قسم تقسیم کرد:

الف. آزادی واقعی و مثبت و مطلوب. این نوع آزادی قیود غیر لازم و اضافی را از دست و پا و زبان و چشم و گوش و عقل انسان برمی‌دارد. به آنچه نباید دل بست، انسان وابسته نمی‌شود. آنچه عرف، عقل و وحی مزاحم رشد می‌بیند، از پیش رو برداشته می‌شود. طبق این تعریف، «شجاع‌ترین مردم کسی است که بر میل و خواهش نفس خود پیروز گردد»<sup>۳۵</sup> و «دشمن‌ترین دشمنان انسان، نفس و خواسته‌های درونی انسان است.»<sup>۳۶</sup> آزادی حقیقی باید موافق با عقل و فطرت و وحی و عفاف و انسانیت باشد.

بر این اساس، حجاب نه تنها مخالف آزادی نیست، بلکه کمک بزرگی برای پیدا کردن آزادی مثبت است. وقتی زن فهمیده و متعهد، با پوشش کامل دل را مهار می‌کند و جلوی وسوسه، جلوه‌گری و دلربایی را می‌گیرد، به موفقیت بزرگی دست یافته است. رهایی از بند هوای دیگران و اسیر خواهش شهوانی دیگران نبودن نیز، پیروزی مهم دیگری است؛ و این آزادی مثبت و خواستنی است.

ب. آزادی منفی یا ضد آزادی؛ یعنی اراده و انتخاب همان چیزی که دل در پی آن است و دیگران از ما می‌خواهند؛ دیگرانی که به شهوت خود فکر می‌کنند نه انسانیت ما.

طبق این تعریف، البته پوشش اسلامی، جلوی هوس‌ها و شهوت‌های فرد را می‌گیرد و آزادی حیوانی را سلب می‌کند. شکی نیست حجاب مطلوب دین بزرگ‌ترین سد راه دنیاپرستان است و به همین دلیل است که اربابان استعمار و سردمداران کفر و هرزگی تلاش بسیاری برای حذف این ارزش می‌کنند.<sup>۳۷</sup> اما این برداشت از آزادی، خود تجاوز به آزادی و سلب حقوق کسانی است که می‌خواهند جسم و روح پاک داشته باشند. غذای رنگین و خوش طعم و بویی که آلوده به سم است، در واقع غذا و تأمین‌کننده حیات نیست، بلکه کشنده و گیرنده زندگی است. نتیجه آنکه حجاب فراهم‌کننده بستر آزادی حقیقی است نه مزاحم و موجب سلب آن.

ثالثاً، اصل لزوم پوشیدگی برای مرد و زن، اصلی عرفی، عقلی و شرعی است. بدون شك، برهنگی کامل مورد پذیرش هیچ جامعه، خرد و دینی نیست؛ یعنی به هر حال، آزادی به معنایی که مستشکل اراده می‌کند محدود شده است. البته

نسبت به حدود پوشش، بخصوص برای زنان، تا حدی تفاوت سلیقه و فکر وجود دارد؛ و چون نظر و علاقه هیچ کس برای دیگران و حتی خودش ترجیحی ندارد، بهترین شیوه توافق همگان و مورد تأیید عقل، برگزیدن راه و حدودی است که خالق انسان و عالم به راه نجات و سعادت بشر به انسان نمایانده است.

رابعا، اگر برای حفظ يك ارزش یا رسیدن به يك کمال، انسان، دچار برخی محدودیت‌ها بشود، این نه بد است و نه چیز تازه‌ای. شخصی که به دنبال علم می‌رود، شکی نیست که بخشی از تفریحات و استراحت‌ها و لذت‌های خود را فدای کند و باید چنین باشد. اما عرف و عقل و دین هیچ کدام این محدودیت را مذمت نمی‌کنند.

۳. عفاف غیر از حجاب است. آنچه برای زنان ارزش است و باید دارا باشند حیا و عفاف است. بسا زنانی که حجاب کامل ندارند اما عقیف هستند. ظاهر مهم نیست و بر اساس ظاهر نمی‌توان به باطن افراد پی برد، بلکه باید باطن آراسته باشد. اصل انسان سیرت و باطن اوست. به قول ویل دورانت، عفت با لباس پوشیدن هیچ رابطه‌ای ندارد. و به قول مردم، دلت پاک باشد.

نقد: این سخن یکی از مغالطه‌های رایج میان مردم است که به چند دلیل باطل است:

اولاً، حیا و عفاف اگرچه از خصلت‌های درونی انسان است و حجاب به ظاهر و شکل پوشش مربوط است، ام مسلماً به هم مربوط هستند. فارغ از اینکه نوع رابطه عفت و حجاب چگونه است، یقیناً هر ظاهری، با هر باطن و فکر و اخلاقی سازگار نیست. کما اینکه انسان از هر فردی، رفتار و گفتار و ظاهر مناسب با آن را انتظار دارد. هم «هر پوشیده و چادر به سری، عقیف است» غلط است و هم «هر غیر پوشیده و بدون چادری، غیر عقیف است» نادرست می‌باشد. از نظر مصداقی و خارجی، برخی چادر به سرها و پوشیده‌ها عقیفه هستند و برخی نیستند. کما اینکه بی‌چادرها و کم‌پوشش‌ها، برخی عقیفه هستند و برخی غیر عقیفه. اما نکته اساسی که باید توجه کرد اینکه حجابی که در شرع تعریف شده منحصر به پوشاندن سر و بدن نیست، بلکه در نگاه و گفتار و رفتار و همه ابعاد مصداق دارد. چنان‌که گذشت، این‌گونه حجاب قهراً زائیده عفاف و حیای درونی است. محال است فردی عقیف کامل باشد و به ظاهر و رفتار او سرایت نکند؛ چنان‌که بدون عفت و حیا، کسی نمی‌تواند حجاب کامل را در رفتار خود به نمایش گذارد، مگر موقتی و منافقانه. به هر حال، آنچه اکنون ادعا می‌شود اینکه به نحو سالبه کلیه نمی‌توان گفت «هیچ ربطی بین عفاف و حجاب باطن و ظاهر وجود ندارد».

ثانیا، تجربه و علم روان‌شناسی و فیزیولوژی نشان داده است که ظاهر در باطن و روح مؤثر است، کما اینکه روح و اوصاف آن در ظاهر مؤثر است. اصل تأثیر و تأثر متقابل بین ظاهر و باطن انسان حاکم است. انسان‌های فهیم و سنجیده هم به هر دو بُعد بها می‌دهند. دین اسلام که پیامبرش می‌گوید: «من برای به کمال رساندن اخلاقیات خوب، برانگیخته شده‌ام» ۳۸ (و البته سهم اساسی و بیشتر در شخصیت و هویت انسان را روح و درون تشکیل می‌دهد)، در

عین حال، به ظاهر، نوع، رنگ و الگوی لباس، آرایش مو و صورت، ریش و سیبیل، و بدن هم توجه می‌کند. درباره این امور در قرآن و روایات، تعالیم بسیاری وجود دارد. ۳۹.

ثالثاً، این اشکال معمولاً از سوی کسانی مطرح می‌شود که پاك دامنی و حیای مورد نظر دین اسلام را اصلاً قبول ندارند. چنین افرادی هرزگی، زنا، چشم‌چرانی و همجنس‌بازی را اصلاً بد و عیب نمی‌دانند تا پوشش را وسیله‌ای برای جلوگیری از آن بدانند. اما کسانی که به خدا و معاد ایمان دارند و اصالت روح و آخرت انسان را پذیرفته‌اند، نمی‌توانند چنین داوری کنند. نسبت به گروه دوم، اگر احیاناً از روی بی‌توجهی چنین اشتباهی کنند، می‌گوییم: بر فرض که سخن ایرادکننده صحیح باشد و فقط درون پاك مهم باشد و بس؛ زنان جامعه اگرچه عقیف هستند، ظاهر نیمه‌عریان یا عریان آنها، قطعاً موجب تحریک مردان و سپس هرزگی آنها می‌شود. نتیجه چنین فضایی ارتکاب خودارضایی، زنا، همجنس‌بازی و تجاوز به یکدیگر است که هرگز پسندیده نیستند.

۴. حجاب امری شخصی است. نوع و اندازه و چگونگی پوشش هر کس، امری است شخصی و مربوط به خود او. بنابراین، کسی نباید برای دیگران مرکزکشی و تعیین وظیفه کند که این لباس و این رنگ و این الگو را بیوش و آن را بیوش. از این رو، حکومت‌ها و دولت‌ها هم حق قانون‌گذاری و دخالت عملی در این امور را ندارند.

نقد: اولاً، این اعتراض به مسئله حجاب وارد نیست و ناشی از يك جانبه‌نگری است. برای اینکه بطلان این استدلال روشن شود باید دید ملاک فردی بودن یا اجتماعی بودن يك عمل چیست. اگر دامنه تأثیرات و سود و زیان عمل و رفتار انسان محدود به خود فرد و متعلقات او بود، امری شخصی است، اما اگر سود و زیان و تأثیر عملی به افراد دیگر گسترش پیدا کرد، آن عمل، امری اجتماعی است. البته می‌توان گفت: يك رفتار می‌تواند از جهتی فردی و از جهتی دیگر اجتماعی باشد.

درباره پوشش و ظاهر انسان‌ها هم واقعیت این است که از جهاتی، پوشش امری فردی است؛ مثل اینکه بدن را سردی گرم نگه می‌دارد، و از جهاتی يك امر اجتماعی است. وقتی کثیفی و تمیزی‌ها، زشتی و زیبایی‌ها، اصل و حد پوشش ما، رنگ و الگوی لباس ما، تأثیر مستقیم و گاهی زیاد و عمیق در بیننده و اشخاص مرتبط با ما دارد، این امری اجتماعی است. از این رو، بر اساس عرف، عقل، تجربه و وحی نمی‌توان گفت پوشش امری کاملاً شخصی است.

شخصی که در کشتی جامعه نشسته است، نمی‌تواند به محل نشستن خود اشاره کند و بگوید جای خودم است و دوست دارم آن را خراب کنم؛ چراکه صندلی فرد، هم متعلق به اوست و هم بخشی از يك مجموعه مرتبط با هم. از این رو، همه اهل کشتی مانع فرد خرابکار می‌شوند و در صورت اصرار او بر عمل خطا و خطرناک خود، با زور جلوی او را می‌گیرند.

بدون شك، تخریب جسم و روح و ایمان افراد جامعه توسط افرادی که با بی‌حجابی و کم‌حجابی خود موجب آن می‌شوند، کمتر از سوراخ کردن کشتی و غرق شدن مسافران نیست.

ثانیا، اگر واقعا پوشش امری فقط شخصی و سلیقه‌ای است و اثر مثبت و منفی، شادی و غم، تحریک و عدم تحریک در بینندگان ندارد، پس سالن‌های آرایش، لوازم آرایش، آینه‌ها، انواع الگوی لباس، طرح لباس، رنگ لباس و مانند اینه برای چیست؟! یقینا بخش زیادی از توجه به این امور برای تأثیر در ناظران است.

ثالثا، مهم‌تر از همه اینکه حجاب در کنار بعد فردی و بعد اجتماعی، بُعدی الهی و دینی هم دارد. ۴۰ حجاب زن حق الله است؛ شاهد بر آن اینکه حجاب در نماز و طواف خانه خدا لازم است حتی اگر هیچ ناظری وجود نداشته باشد. دستورات دینی در مورد حجاب این حیثیت را به آن بخشیده است. بنابراین، وقتی دین برای زن در مواجهه با نامحرم و برای حضور در جامعه، حدودی قرار داده است و در صورت تخلف مثل سایر امور واجب و حرام برای دیگران حق امر به معروف و نهی از منکر قایل شده است، علی‌رغم فرمان الهی نمی‌توان گفت نباید در مورد پوشش دیگران دخالت کرد یا در مورد حدود آن، قانون وضع کرد.

۵. حجاب مانع پیشرفت زنان است. حجاب، مانع پیشرفت علمی و عملی زنان و عامل رکود جامعه است. حجاب باعث می‌شود که عملاً نیمی از نیروی جامعه به هدر رود و در خانه دفن شود.

نقد: اولاً، حجاب کامل زنان مانع فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان نیست. حضور زنان در طول تاریخ در همه این عرصه‌ها و نیز تجربه کنونی زنان فعال مسلمان و بخصوص تاریخ انقلاب اسلامی بهترین گواه بر این مطلب است.

ثانیا، بعکس، آنچه مانع پیشرفت علمی و عملی و اخلاقی هم مرد و هم زن می‌شود، بی‌حجابی و کم‌حجابی است. زنی که بی‌حجاب به عرصه اجتماعی می‌آید هم بخشی از وقت و نیرو و درآمد مالی خود را صرف آرایش و لباس و هزینه‌های دیگر می‌کند و هم بخشی از وقت و نیروی مردان را به خود جلب می‌نماید و با این کار، مانع بهره‌وری بیشتر می‌شود. روشنی این مطلب به حدی است که انسان را از ارائه دلیلی بیشتر و آمار و ارقام بی‌نیاز می‌سازد.

ثالثا، معمولاً این عده مانند زن در خانه و خانه‌داری را اتلاف وقت و نیرو می‌پندارند، در حالی که مقدس‌ترین مکان‌ها و مشاغل و مولدترین کارها، شغل مادری و خانه‌داری و همسررداری است. چه منطقی و استدلال علمی وجود دارد نسبت به اینکه کار همسران و مادران ما، در خانه، کار به حساب نمی‌آید و ارزش صرف عمر و توان ندارد؟ آی ساختن در، پنجره، میز، صندلی و ماشین کار است، اما ساختن و پرورش انسان اتلاف وقت و هرز رفتن انرژی؟ کدام عاقلی چنین سخن می‌راند؟!

رابعا، بنا به مصالح متعدد — که به برخی از آنها در این نبشتار اشاره شد — و برای تناسب کار با ساختمان جسمی و روحی افراد و اموری دیگر، خداوند حکیم وظیفه گرداندن چرخ اقتصاد و تأمین معاش را بر دوش مرد قرار داده است نه زن؛ و بر همین اساس تکلیف اداره همسر و زن را هم بر دوش او قرار داده است. پس اساساً فعالیت اقتصادی به معنای خاص و مصطلح رایج از زنان خواسته نشده است تا کار نکردن بیرون از خانه آنان، هرز رفتن انرژی شمرده شود. به هر میزان زنان متعهد و مسئول ما، با رعایت همه موازین شرعی، به کار اجتماعی و اقتصادی مشغول شوند و به رشد اقتصادی جامعه کمک نمایند، البته خوب و مفید است و کسی مانع اصل این فعالیت‌ها نیست؛ اما معنای این حرف این نیست که همه زنان و مردان را موظف به کار بیرون از خانه و مشارکت اقتصادی بدانیم و کانون خانواده و محفل گرم انس و رشد صفات انسانی را از هم بپاشیم، و آن‌گاه اگر زنی در اداره و کارخانه حاضر نشد، او را نیروی تلف شده حساب کنیم.

۶. حجاب موجب افزایش شهوت می‌شود. پوشیدگی زن، از او موجودی پنهان و ناشناخته می‌سازد که تحریک و حرص مردان را به دنبال می‌آورد تا این راز را آشکار کنند. انسان‌ها بر اساس اصل «الانسان حریص علی ما تُع» هر قدر از امری بازداشته شوند و چیزی را از او مخفی نگه دارند، حریص‌تر می‌گردند. بنابراین، باید مانند کشورهای غربی نقاب برداشت و چشم را سیراب کرد تا دیدن زنان برای مردان عادی گردد، نه اینکه با پوشش بر التهاب و تحریک افزود. ۴۱

نقد: اولاً، تعداد مردان بیننده یک زن بی‌حجاب، یک نفر و صد نفر نیستند و تعداد زنانی هم که مردها — بنابراین فرض خواهند دید یک نفر و ده نفر نیستند تا از یکدیگر سیراب شوند.

ثانیا، میل دو جنس به یکدیگر در حد نگاه، خلاصه نمی‌شود، بلکه به ارضائات دیگر منتهی می‌شود.

ثالثاً، پیدا شدن حرص در زمانی است که انسان غذا، مال، یا زیبارویی را ببیند و به طرف آن تمایل پیدا کند و سپس از آن برحذر داشته شود. سیاست اسلام به گونه‌ای است که از ابتدا اصلاً دیدن شکل نگیرد (با دستور حجاب به زن و مرد فرمان به چشم‌پوشی) تا میل برانگیخته نشود و قهراً حرص هم پدید نیاید که اگر آتش شعله‌ور شد، به راحتی خاموش نمی‌شود و مسئولیت عواقب آن بر عهده کسانی است که آتش را برافروخته‌اند.

رابعا، برخلاف تصور مستشکل، میل جنسی انسان مانند میل به مال و مقام، خواستی روحی است که نهایت ندارد. اگر کسی از خوردن آب شور، سیراب شد یا با پیدا کردن مقداری مال قانع شد، یا با رسیدن به قدرت و مقامی، از مقام بالاتر چشم‌پوشید — که هرگز چنین نخواهد شد — آن‌گاه انسان‌ها از نگاه و ارضای میل جنسی هم سیر می‌شدند.

خامسا، بر فرض که سخن ایرادکننده، صحیح باشد، هزینه این عادی‌سازی روابط، بی‌حیایی و بی‌عفتی زنان و بی‌غیرتی و هرزگی مردان و آثار سوء دیگر است، و عقل و انسانیت و دین الهی هیچ‌گاه چنین نخواهند پسندید.



۷. بی‌حجابی موجب عذاب نمی‌شود. خداوند ارحم‌الراحمین است و بزرگ‌تر از آن است که زنی را به خاطر اینکه چادر به سر نکرده یا موی خود را نپوشانده است، عذاب کند و دچار آتش سوزان جهنم کند.

نقد: مستشکل می‌خواهد بگوید این مطلب که حجاب ضروری است و جزء دین است، سخت‌گیری برخی افراد خشک و تند است و خداوند چنین اصراری ندارد.

اولاً، پاسخ نقضی این است که همین سخن را نسبت به کسی که هفده رکعت نماز واجب را نمی‌خواند یا در ماه رمضان صبح تا غروب روزه نمی‌گیرد و آب و نان می‌خورد یا آنکه يك جمله دروغ می‌گوید و غیبت می‌کند یا مقداری مال حرام می‌خورد و مانند اینها هم می‌توان تکرار کرد. آیا خداوند کسی را برای خوردن يك لیوان آب یا يك لقمه نان، ب‌آتش داغ می‌سوزاند؟! اگر مستشکل این سخن را در همه موارد جاری کند، در نتیجه، چیزی از دین و تکلیف شرعی باقی نمی‌ماند. و اگر هیچ‌جا جاری نمی‌کند، تسلیم سخن ما شده است و اگر فقط در برخی موارد مثل حجاب جاری می‌کند، اختصاص بدون دلیل و فرق قایل شده است.

ثانیا، لازمه این اشکال آن است که سخنان الهی و مفاد آیات و روایات دینی، جدی نباشد و وقتی می‌گوید: اگر فلان گناه را مرتکب شوید، کیفر و عذاب دردناک در انتظار شماست، سخنی کذب باشد، و قطعاً این سخن باطل است و در این صورت، مفاد متون دینی بی‌فایده خواهد بود.

ثالثاً، از طریق معارضه می‌توان گفت: انسان ضعیف و مخلوق به این کوچکی و حقارت، آیا می‌تواند فرمان خالق و خداوند عظیم و قادر را نادیده انگارد؟ آیا چنین جسارت و جنایتی رواست؟ آیا به خاطر جهل یا هوس خود، حق داریم امر مولای خود را زیر پا بگذاریم؟

۸. حجاب زن توهین به بینندگان و نشانه بی‌اعتمادی است. زن وقتی همه بدن و سر خود را می‌پوشاند، اعلام می‌کند که به مردان اعتماد ندارد و آنها را چشم و دل پاک نمی‌بیند تا بتوانند به زنان به جای نگاه شهوانی و جنسیتی به چشم انسانی نگاه کنند. پس حجاب دلیل بی‌اعتمادی به دیگران و بی‌حجابی نشانه اعتماد و حسن ظن به دیگران است.

نقد: گوینده این سخنان از دو حال خارج نیست: یا آگاهی و توجه لازم را ندارد و یا دارای غرض و به دنبال لذت‌جویی بیشتر — که فرهنگ رایج دنیای امروز است — می‌باشد. در حالت اخیر، باید اصلاح و درمان شود و به مسیر انسانیت و دیانت برگردد. اما در صورت نخست، باید به نکاتی چند توجه کند:

اولاً، در این مبحث، سخن از اعتماد و بی‌اعتمادی اشتباه است. بحث بر سر تأثیر ظاهر افراد و بعد اجتماعی پوشش است. اندام زن و تأثیرپذیری مرد به گونه‌ای است که برای جلوگیری از تحریک مردان بیننده — که تا حد زیادی غیر ارادی است — و سلامت اخلاقی و دینی آنان و نیز خود زنان، باید پوشش به گونه‌ای باشد که روابط افراد از حد انسانی به حد

حیوانی تنزل نیابد. به تعبیر بهتر، پوشش کافی نشانه احترام به دیگران و انسانیت، سلامت و پاکی روح آنهاست، تا کنترل و آرامش مرد ناظر با دیدن بدن نیمه عریان زن، از بین نرود و در واقع، وجود زن سدی برای کمال و سعادت دیگران نشود.

ثانیا، از باب جدل و اخذ به قضیه مقبوله می توان گفت: بعکس سخن مستشکل، آنچه بسیاری مواقع در عرف نشانه بی ادبی و بی احترامی به دیگران است، حاضر شدن در برابر دیگران با پوشش کم و بدن برهنه یا نیمه عریان است. انسان هیچ گاه در مقابل يك شخص محترم و مهمم به این صورت ظاهر نمی شود.

ثالثا، باز هم از باب جدل می توان گفت: کارهای زشت در میان مردم شناخته شده است. اما تاکنون شنیده نشده که پوشاندن دست و پا و سر توسط افراد یا زنان، از قبیل کارهای قبیح شمرده شده باشد.

رابعا، حجاب زنان و پوشاندن جمیع سر و بدن، غیر از صورت و دستها تا مچ، حکم روشن و ضروری اسلام و مستفاد از آیات و روایات متعدد است و با وجود دستور خداوند علیم و حکیم، نوبت به این اشکال نمی رسد و وظیفه زنان و مردان پذیرش این تعلیم الهی است.

خامسا، اگر گذاشتن در و قفل برای خانه، مغازه، ماشین و گنجینه نشانه عدم اعتماد و بی احترامی به سایر افراد است، پوشاندن بدن و حفظ عفت و حیا هم بی احترامی به دیگران خواهد بود؛ چراکه ارزش انسان و کرامت های اخلاقی به مراتب برتر از اشیا و اموال است.

سادسا، افراد سالم و بی غرض هیچ گاه از بسته بودن درب منازل و مغازه ها و صندوق ها ناراحت نمی شوند و هیچ گاه اعتراض نمی کنند که چرا به وسایل و اموال خود قفل می زنید؛ مگر ما دزد و خائن و غیرقابل اعتماد هستیم که اشیای خود را مخفی و محفوظ می کنید؟ اما افراد ناسالم برای پنهان کردن نیت سوء خود، چنین سخنانی را در قالب بحث علمی مطرح می کنند.

۹. کسانی که طرفدار حجاب اجباری زنان در جامعه هستند و حتی پوشش غیرمسلمانان را نیز در جامعه اسلامی لازم می دانند، نباید به حکومت هایی مثل حکومت فرانسه و ترکیه که مانع حضور زنان محجبه در مدارس و مراکز دولتی می شوند، ایراد بگیرند؛ زیرا همان گونه که اینها عدم پوشش را غیرقانونی و مضرّ برای سلامتی روحی آحاد جامعه می دانند، آنها هم پوشش سر زنان را غیرقانونی می دانند. اگر خوب است، هر دو کار خوب است و اگر هم بد است، رفتار هر دو حکومت، بد است.

نقد: در پاسخ به این اشکال که از سوی برخی مردم و روشن فکران دینی طرح می شود، چند نکته می توان متذکر شد:

اولاً، بر اساس اندیشه اسلامی، حجاب از احکام ضروری و لازم‌الاجراست و عدم رعایت پوشش زنان یکی از گناهان است که بُعدی اجتماعی دارد و حکومت اسلامی در صورت قدرت و امکان اجرا، باید از تحقق معاصی جلوگیری کند، کما اینکه معصومان علیهم‌السلام گاهی با عدم پرداخت زکات، کم‌فروشی و نگاه به نامحرم برخورد می‌کردند.

عدم پوشش زن هم گناه است و هم زمینه ارتکاب گناه برای ناظران فراهم می‌آورد. اما بر اساس تفکر لیبرالیستی که زیربنای قوانین دنیای غرب و امثال کشور فرانسه است، آزادی هرچه بیشتر فردی مورد تأکید قرار دارد. کسانی که معتقد به این طرز تفکر هستند و به آن افتخار می‌کنند، بر اساس عقیده خودشان نباید از آزادی پوشش مردان و زنان جامعه جلوگیری کنند. اندیشه لیبرالیسم، پوشش سر یا بدن يك زن در جامعه را مضرّ به حال آن فرد یا سایر مردم جامعه نمی‌داند، پس بین عملکرد ما و آنها تفاوت اساسی وجود دارد.

ثانیاً، اهل حق، اهل باطل را ناحق و بر خطا می‌دانند و اهل باطل هم، خود را محق و اهل حق را ناحق می‌دانند. اما بین این دو باور تفاوت از زمین تا آسمان است. پیروان حق نباید از اینکه اهل باطل آنان را قبول ندارند بیمناک باشند و از حق خود صرف‌نظر کنند و حق بودن یا نبودن در مسائل گوناگون معیارهای منطقی و علمی خاص خود را دارد که باید به کار گرفته شوند.

ثالثاً، بر فرض که آیینی در دنیا ظهور کند و پوشاندن بدن و سر را مزاحم حقوق دیگران بداند و افراد جامعه را ملزم به برهنگی نماید، در آن موقعیت شیطانی، وظیفه فرد مسلمان، هجرت و خروج از محل تنگنا و گناه است.

## نتیجه و جمع بندی

حکم حجاب یکی از احکام مسلم دین مبین اسلام است و زن و مرد به دلیل ساختار جسمی و روحی متفاوت و انتظارات و جایگاه‌های گوناگونی که دارند، در میزان پوشش و نگاه با یکدیگر متفاوت هستند. حکم یکسان در پوشش و نگاه برای زن و مرد، چیزی جز ظلم به این دو گروه نیست و مقتضای عدالت، تفاوت گذاشتن بین دو موجود متفاوت است. رعایت حجاب ثمرات فراوانی برای سلامتی جسم و روح احاد جامعه دارد و اشکالات متعدد و مکرری که در این باره ذکر شده، مردود می‌باشد.

## پی نوشت ها

۱- اعراف: ۲۰، ۲۲، ۲۶ و ۲۷ / طه: ۱۲۱.

۲- کاکس روت تریزویل، تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران، توس، ص ۱۱.

۳- عهد قدیم، سفر غزل غزل‌های سلیمان، باب ۵.

٤- عهد قديم، سفر تكوين، باب ١٤.

٥- بنفشه حجازى فراهانى، زن به ظن تاريخ، تهران، شهراب، ١٣٧٠، ص ٧١، ١١٥، ١٤١ و ١٩٨.

٦- امام خمينى، تحرير الوسيله، قم، اسماعيليان، ٢ جلدى، ج ١، ص ١٣٨.

٧- همان، ج ٢، ص ٣٨١ و ٣٨٢.

٨- محمدحسن نجفى، جواهر الكلام، تحقيق عباس قوچانى، چ دوم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥، ج ٨، ص ١٥٩.

٩- همان، ج ٨، ص ١٦٩.

١٠- ر. ك. اسماعيل بن حماد جوهرى، الصحاح اللغة، تهران، اميرى، ١٣٦٨، ٤ جلدى، ذيل واژه «حج» / احمدبن محمد فيومى، المصباح المنير فى غريب شرح الكبير، قم، دارالهجرة، ١٤٠٥، ذيل واژه «حج».

١١- نور: ٣١ / احزاب: ٥٩.

١٢- نور: ٣٠ و ٣١.

١٣- احزاب: ٣٢.

١٤- نور: ٣١.

١٥- احزاب: ٣٣.

١٦- ر. ك. احمدبن محمد فيومى، پيشين، ذيل واژه «جلب» / فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ١٤٠٨، ذيل واژه «جلب» / شيخ طوسى، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، / سيد محمدحسين طباطبائى، الميزان فى تفسير القرآن، چ سوم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٧ ق، ٢٠ جلدى / محمدجواد مغنيه، تفسير الكاشف، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨١، ذيل آيات مذكور.

١٧- شيخ حرّ عاملى، وسائل الشيعة، بيروت، لاهياء التراث العربى، ٣٠ جلدى، ج ١٤، ص ١٤٦، ح ٣.

١٨- همان، ج ٤.

١٩- سيدمحسن طباطبائى حكيم، مستمسك العروه الوثقى، قم، مكتبة آيه الله مرعى نجفى، ١٤٠٤، ج ٥، ص ٢٣٤.

٢٠- احمدبن محمد فيومى، پيشين، / ابن منظور، لسان العرب، بيروت، دارالحياء التراث العربى، ١٤٠٨ / راغب اصفهانى، معجم مفردات الفاظ القرآن، چ دوم، تهران، المكتبة المرتضويه، ١٣٦٢، ذيل واژه «عف».

٢١- عبد الواحدبن محمد تميمى، غرر الحكم و درر الكلم، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٦٦، ح ٥٨٢٠ / محمدباقر مجلسى، بحار الانوار، چ سوم، بيروت، دارالحياء التراث العربى، ١٤٠٣، ج ٧٤، ص ٢١٤.

۲۲- نهج البلاغه، ن ۳۱.

۲۳- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۰۴، ص ۳۴.

۲۴- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۴، ب ۱۰۴، ۱۰۶ و ۱۳۲، از ابواب مقدمات نکاح.

۲۵- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸، ص ۸۶ / روح‌الله حسینیان، حریم عفاف حجاب، نگاه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، فصل اول / سید محمدباقر موسوی همدانی، پاسخ به پرسش‌های دینی، چ پنجم، قم، اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۲، سؤالات حجاب.

۲۶- مرتضی مطهری، پیشین، ص ۹۰ / روح‌الله حسینیان، پیشین، فصل اول / سید محمدباقر موسوی همدانی، پیشین.

۲۷- ر.ک. لطف‌الله صافی گلپایگانی، معارف دین، قم، حضرت معصومه س، ۱۳۷۹، ج ۱، فصل ۹ (فلسفه احکام)، ص ۲۷۴-۲۸۱.

۲۸- مرتضی مطهری، پیشین، ص ۹۴ / روح‌الله حسینیان، پیشین / سید محمدباقر موسوی همدانی، پیشین.

۲۹- نرمان ل. مان، اصول روان‌شناسی، ترجمه و اقتباس محمود ساعتچی، چ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۵۱.

۳۰- سیدهادی حسینی، علی‌احمد راسخ و حمید نجات کتاب زن، زیر نظر محمد حکیمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۶۱ / حمزه گنجی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، چ چهارم، تهران، بعثت، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳.

۳۱- حمزه گنجی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، ص ۲۰۳-۲۰۶ / سیامک خداجیمی و دیگران، روان‌شناسی زنان، تهران، مردمک، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱-۱۳۶.

۳۲- اتوکالین برگ، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، چ دوازدهم، تهران، اندیشه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۱۴ / حسین لطف‌آبادی، روان‌شناسی رشد ۲؛ نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، چ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۸۱، ص ۶۴ / آرتور گایتون و جان هال، فیزیولوژی پزشکی، ترجمه فرخ شادان، تهران، چهر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۸-۱۵ / حمزه گنجی، پیشین، ص ۲۰۵-۲۰۷.

۳۳- دیوید روبن و دیگران، دانستنی‌های زناشویی، ترجمه کیومرث دانشور، چ ششم، تهران، کوشش، ۱۳۸۱، ص ۲۸۳ / جان گری، مردان مریخی و زنان ونوسی، ترجمه لوئیز عنذلیب و اشرف عدیلی، چ سیزدهم، تهران، علم، ۱۳۸۰، ص ۴۵ و ۵۱.

۳۴- سیدهادی حسینی و دیگران، پیشین، ص ۴۳۳-۴۳۴ / اتوکالین برگ، روان‌شناسی اجتماعی، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳۵- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، چ سوم، قم، اسلامی، ۱۴۱۳، ۴ جلدی، ج ۴، ص ۳۹۴.

۳۶- ر.ک. به عنوان نمونه: ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، تهران، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷، ص ۳۱۴ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۶۷، ص ۶۳-۶۴.

۳۷- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ خاطرات مستر همفر در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ / سید حسام‌الدین شریعت پناه، اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، تهران، توس.

۳۸- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۸۷، ب ۶، از ابواب جهاد نفس، ح ۱.

۳۹- علاوه بر آیات حجاب که گذشت می توان به آیاتی دیگر نیز اشاره کرد؛ از جمله: «خذوا زینتکم عند کل مسجد» اعراف: ۳۱

۴۰- عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، تهران، مرکز فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹، ص ۴۲۴-۴۲۶.

۴۱- ایران نامه، سال ۹، ص ۴۱۸، این اشکال بر اساس دیدگاه امثال فروید و راسل است که پوشش را فاصله‌ای میان زن و مرد می داند که موجب تحریک کننده شدن سوژه بیننده می شود. به نقل از مهدی مهریزی، آسیب شناسی حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ۸۱-۸۲.